

ارسال: ۱۴۰۳/۸/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

10.22034/nf.2024.484252.1354

مقاله علمی-ترویجی

معناپردازی در پس حوادث جنگ (بازخوانی رمزگان در مان سفر به گرای ۲۷۰ در جبارویکرد ساخت شکی)

یدالله شکری* (استادیار زبان و ادبیات فارسی، نویسنده مسئول، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران)
قاسم نامدار (دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران)

چکیده: در رویکرد ساخت‌شکی، معنا، از کشاکش تقابل بنیاد دال‌های حاضر و غایب متن، ماهیتی چندوجهی و دیگرگون و گاه متضاد به خود می‌گیرد و عرصه متن، با رهایی از تمرکز بر معنایی خاص، به روی خوانش‌هایی تازه گشوده می‌گردد. در مان سفر به گرای ۲۷۰ درجه، تلخی‌ها و ناکامی‌های دفاع مقدس در فضایی واقع‌گرایانه با دیگر لایه‌های جنگ پیوند خورده است؛ روندی که برخی منتقدان، با نسبت دادن مؤلفه‌های ناتورالیستی به آن، معتقدند تأکید بر صحنه‌های مرگ و خشونت و فقر و... نویسنده را از طرح دیگر مفاهیم مرتبط با دفاع مقدس غافل ساخته. جستار حاضر خوانشی است متفاوت، با وام‌گیری مؤلفه‌های رویکرد ساخت‌شکی در نشانه‌شناسی و کاربرد روش توصیفی-تحلیلی، در پاسخ به اینکه مهم‌ترین اجزای رمزگانی و عوامل کنشگر در پردازش معنا در گوشه و کنار مان کدام‌اند؛ ترکیب اجزاء و عوامل یادشده چه حاصلی با خود دارند یا به چه سرانجامی می‌رسند؟ در بررسی متن، به حضور فعال سه گروه رمزگان - «رمزگان فرهنگی - اجتماعی» (خانواده، شگردها، خرده‌فرهنگ‌ها، اسامی)؛ «رمزگان مرتبط با جنگ» (عام، ویژه، لایه‌های خشن، لایه‌های افتخارآمیز)؛ و «رمزگان فنی» (نمادها، جملات کوتاه، واژگان خاص، تیپ‌ها) - اشاره شد. در نهایت، با طرد ذهنیت‌های ناتورالیستی، از هویت‌سازی و معناپردازی و سبک‌آفرینی به مثابه سه دستاورد مهم مفصل‌بندی اجزای مان یاد شد. بنابراین، مان، با دارا بودن مجموعه‌ای از کنشگران، می‌تواند متنی پویا و متنوع در حوزه دفاع مقدس به شمار آید.

کلیدواژه‌ها: مان دفاع مقدس، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، ساخت‌شکی، احمد دهقان، متن و معنا، نشانه‌شناسی.

۱. مقدمه

بیان مسئله و پرسش‌ها

جنگ، در یک نگاه، تلاش طرف‌های درگیر برای اثبات حقیقت و حراست از اندوخته‌های مادّی و معنوی خود است. عصاره چشم‌اندازها و عملکردهای فکری و فرهنگی و اعتقادی ملت‌ها در جنگ‌ها بروز می‌یابد. از این رو، آثاری که از دیرباز وقایع جنگ را در خود گنجانده‌اند، همواره، برای پژوهشگران حوزه تاریخ و فرهنگ و اجتماع، آبخوری ویژه تلقی می‌گردند.

سفر به گرای ۲۷۰ درجه، نخستین اثر داستانی احمد دهقان، با نگاهی چندجانبه به حوادث دفاع مقدّس به نگارش درآمد. نویسنده به مدد اندوخته حضور متمادی در جنگ هشت‌ساله تلاش دارد، با پایبندی به واقعیت‌های گسترده و عمیق و متنوع جنگ و پرهیز از کلیشه‌گویی‌های نامتعارف، صحنه‌هایی زنده و باورپذیر و چندسویه برای مخاطبان به تصویر کشد؛ مسیری که تلخی‌ها و ناکامی‌ها و شدائد ناگزیر پدیده جنگ با دیگر جوانب آن پیوند خورده‌است. همین امر نگاه برخی منتقدان را به این نکته معطوف ساخته که تأکید بر صحنه‌های ناخوشایند و مرگ و ناامیدی (← پارسى نژاد، ص ۵۶) نویسنده را از توجه به مفاهیم اصلی حوزه دفاع مقدّس باز داشته‌است (← همان، ص ۵۱). نویسندگان یک پژوهش دیگر معتقدند رمان مزبور، با ترسیم افراطی خشونت و فقر و فلاکت، اثری با مؤلفه‌های ناتورالیستی به شمار می‌آید. (← خادمی کولایی و حسن‌پور ایلالی، ص ۱۲۹-۱۴۳)

جستار حاضر، با استمداد از مؤلفه‌های رویکرد ساخت‌شکنی در مباحث نشانه‌شناسی و با استناد به اجزای لایه‌های متن رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه، می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:
الف) کدام لایه‌های رمزگانی، با دلالت‌های ضمنی و ثانوی، در روند معناسازی مؤثرند؟
ب) وجوه معنایی رمزگان‌ها چیست و چگونه به هم پیوند می‌خورند؟
ج) رمزگان‌های یادشده چه کارکردهایی دارند و چگونه تولید معنا می‌کنند؟

مسئله و هدف پژوهش

مهملی نجفی، در «بررسی عناصر داستان در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی اسحاق طغیانی، دانشگاه اصفهان ۱۳۸۹) و یگانه پژوهش اختصاص یافته به رمان مذکور، عناصر داستانی (پیرنگ، حقیقت‌مانندی، شخصیت، زاویه دید، روایت، کشمکش، زمان و مکان، صحنه، سبک، و لحن رمان) را بررسی کرده‌است.

کامران پارسی نژاد در جنگی داشتیم داستانی داشتیم (صریر، تهران ۱۳۸۴)، که شاید جدی‌ترین نقد رمان مزبور است، با وجود تصریح به توجه دهقان به قالب و صورت، از تبیین مفاهیم حوزه دفاع مقدس غافل مانده.

محمدرضا یوسفی و طاهره احمدی ورزنده، در مقاله «نقد و تحلیل بازتاب موضوع جنگ در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه (برنده جایزه بیست سال داستان‌نویسی دفاع مقدس)» (ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی، ۵ و ۶ دی ۱۳۹۱)، به طرح و تحلیل برخی موضوعات عمومی جنگ در رمان مذکور پرداخته‌اند.

غلامرضا پیروز و همکاران، در مقاله «تحلیل چند رمان واقع‌گرا در عرصه دفاع مقدس (با تکیه بر سه رمان زمین سوخته، ترکه‌های درخت آلبالو، و سفر به گرای ۲۷۰ درجه)» (پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره یازدهم، ش ۲۹، تابستان ۱۳۹۲، ص ۵۷-۸۷)، به وجوه واقع‌گرایی رمان مزبور و چند رمان دیگر حوزه دفاع مقدس پرداخته‌اند؛ شخصیت‌های عینی، تسلسل روایی، زاویه دید واحد، پیرنگ مبتنی بر روابط علی و معلولی، زمان و مکان ملموس از جمله آن‌هاست.

فائزه عرب یوسف‌آبادی و فاطمه روزخوش، در مقاله «بررسی تطبیقی زمان روایی در رمان‌های حسین ترکانا الجسر و سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال هفتم، ش ۲۷، پاییز ۱۳۹۶/۱۴۳۹ ه.ق، ص ۱۰۱-۱۱۹)، شیوه‌های روایت دو رمان مذکور را، براساس نظریه ژرار ژنت، بررسی و تحلیل تطبیقی کرده‌اند.

مهدی خادمی کولایی و نسیم حسن‌پور ایلالی، در مقاله «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی جنگ (موردپژوهی: احمد دهقان)» (نشریه ادبیات پایداری، سال دهم، ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۴۸)، جلوه‌های ناتورالیسم را در این رمان و دو اثر دیگر دهقان برشمرده‌اند.

محبوبه بان‌مهجور و منوچهر اکبری، در مقاله «رابطه درون‌مایه و ساختار در سه رمان دفاع مقدس از سه نویسنده: احمد دهقان، اسماعیل فصیح، احمد محمود» (ادبیات دفاع مقدس، دوره سوم، ش ۱ (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱-۱۲)، بر این باورند که دهقان، با انتخاب طرحی ساده برای ترسیم فضایی درآلود و تلخ، ساختار داستان را در اختیار درون‌مایه قرار داده‌است.

زهرا اسدی مافی و همکارانش، در جدیدترین پژوهش در این زمینه، یعنی مقاله «تحلیل عنصر درون‌مایه در پنج اثر دفاع مقدس با تکیه بر مؤلفه‌های پایداری» (فنون ادبی، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۳۰)، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۵-۶۶)، «تأکید بر هویت دینی رزمندگان و بحث شهادت» (اسدی مافی و دیگران، ص ۶۶) را مهم‌ترین درون‌مایه پایداری رمان دهقان دانسته‌اند.

پژوهش حاضر، در نگاهی متفاوت به اثر دهقان و با رویکرد نشانه‌شناسی و استناد به سه گروه رمزگان مؤثر داستان و با در نظر گرفتن سه کارکرد برای آن‌ها و شکست برخی دیدگاه‌های ناتورالیستی

و نامتوازن پژوهش‌های یادشده (که رمان مزبور را متنی خشونت‌بار و ناخوشایند و فاقد لایه‌های مفهومی دفاع مقدّس می‌دانند)، سویه‌های معنایی جدیدی از آن رمان می‌گشاید و نتایج تازه‌ای به دست می‌دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی و با استمداد از مباحث نشانه‌شناسی و رویکرد ساخت‌شکنی تدوین شده است. بدین منظور، ابتدا از متن و معنا، به مثابه‌ی جولانگاه نشانه‌شناسی، سخن به میان آمد و سپس به سیر پدیدارآمدن رویکرد ساخت‌شکنی (از ساخت‌گرایی—مفهوم و منشأ و برخی شخصیت‌های مشهور آن، تقابل‌های دوگانه به مثابه‌ی نوعی روش در ساخت‌گرایی، و در نهایت ساخت‌گرایی ادبی—تا زمینه‌های ظهور ساخت‌شکنی و مفاهیم و برخی اصطلاحات مرتبط) در حدّ لزوم پرداخته شد. آنگاه، با استخراج سه گروه رمزگان و توضیح معانی ضمنی و چگونگی ارتباطشان، کارکردهایی برای آن‌ها در نظر گرفته شد.

۲. مبانی نظری

متن محوری^۱ و معنامندی^۲

از جمله مباحث زیرساختی، در علوم انسانی و نقد ادبی، مقوله‌ی متن^۳ و مفهوم و ماهیت آن است. در نظر ایرناریما مکاریک، «متن مشتمل است بر عناصر معنادار، وحدت این عناصر، و تجلّی این وحدت» (مکاریک، ص ۲۸۲). «متن معمولاً به هر چیزی که، به خاطر معنایش، خوانده شود اطلاق می‌گردد» (عظیمی فرد، ص ۱۶). فرهاد ساسانی هر چیزی را که با رویکردی نشانه‌شناسی تحلیل شود، خواه کلام باشد خواه غیر کلام، متن می‌داند (← ساسانی، ص ۵۰). به عقیده‌ی فرزانه سجودی، «متن پدیده‌ای فیزیکی است اما قطعی نیست» (سجودی، ص ۲۱۰). بر این اساس، یک تابلو نقاشی، منظره‌ای زیبا، هر رسم و آیینی، هر اثر تاریخی، هر قطعه‌ی موسیقی، هر نوع آرایش و لباسی، هر قطعه‌ی شعری، هر داستان و رمانی و ...، همه، نوعی متن به شمار می‌آیند.

از مباحث یادشده برمی‌آید ماهیت متن^۴ تک‌جزئی و حاوی «رمزگان بدون ترکیب‌بندی» نیست بلکه اجزاء و عناصری آن را احاطه می‌کنند و هر جزء حضوری مستقل از دیگر اجزاء ندارد. به عبارتی، اجزای متن خنثی نیستند؛ یافته‌ای با خود دارند و، به اصطلاح، نشانه‌اند و کنار

1. text_centered
3. text
5. sign

2. semantization
4. unarticulated codes

دیگر اجزاء آن را انعکاس می‌دهند تا در موقعیت نشانی^۱ قرار گیرند. نشانی اجزای متن آن را به رسانه‌ای چندبُعدی مبدل می‌سازد که پردازش و انتقال معنا^۲ در آن اتفاق می‌افتد. «نشانه، با قرارگرفتن در نظامی فرایندی، به تولید معنا می‌پردازد». (شعیری، ص ۲)

معنا چیست، با متن چه نسبتی دارد، چگونه پرداخت و دریافت می‌شود؟ «به‌طور کلی، به آنچه که یک واژه با یک حرکت منتقل می‌کند معنا گفته می‌شود. به نظر می‌رسد معنا با مفهوم و محتوا و مصداق برابر است» (عظیمی‌فرد، ص ۱۷۰). در پاسخ به اینکه معنا در کجا تولید و بازتولید و تفسیر و فهمیده می‌شود، برخی معتقدند «این جایگاه در درجه نخست یک متن است» (ساسانی، ۱، ص ۴). در نگاهی دیگر، نشانه‌شناسی، از مجرای متن و ترکیب نشانه‌ها و فرایند درک روابط آن‌ها و در ارتباط با معنا، تعریف تازه‌ای به خود می‌گیرد؛ «نشانه‌شناسی کلاً دانش درک معنی است» (صفوی، ص ۳۴). سطح کارکرد متن‌ها به نوع نشانه‌ها و سطح معنا وابسته است؛ از این رو، متون ادبی، به سبب داشتن ماهیت چندگانه و ابزارهای بلاغی، از امکانات نشانه‌ای متنوعی برخوردارند. (صادقی، ص ۱۴)

ساخت‌گرایی و مواجهه با متن

اینکه متن چه می‌گوید، مدلول‌هایش چگونه دریافت‌پذیر است، و مناسبات میان آن و مخاطبان چیست همواره محل بحث متفکران بوده است. در ابتدای قرن بیستم، سوسور (زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی)، در مطالعاتش، با یادکرد زبان به مثابه «نظام» و مجموعه‌ای از نشانه‌ها، واژه فرانسوی «سیستم» (به انگلیسی structure که امروزه ساختار ترجمه کرده‌اند) را برای بیان روابط «دال و مدلول» و «دلالت» به کار برد. (نجفی، ص ۱۹)

«ساختار رابطه‌ای»^۳ زبان، در آموزه‌های سوسور، دیدگاه‌های متفاوت ساخت‌گرایانه و مابعد آن را به دنبال داشت (قیطوری، ص ۹۴). در «ساخت‌گرایی»، که نخستین بار کلود لوی استروس آن را در مردم‌شناسی و متأثر از مطالعات زبانی سوسور به کار گرفت، عقیده بر این است که همه نظام‌ها اجزایی دارند که مستقل از هم کار نمی‌کنند بلکه با هم در ارتباط‌اند و حرکتی منسجم را شکل می‌دهند. «آن‌ها به دنبال توصیف همه نظام‌های نشانه‌ای به مثابه زبان هستند. ساختارگرایان سعی دارند ژرف‌ساخت‌هایی را که در زیر جنبه‌های سطحی پدیده‌ها (مانند زبان، جامعه، اندیشه، و رفتار) قرار دارند بیابند» (چندلیر، ص ۳۴۵). اصولاً می‌توان گفت موجزترین توضیح ساختار همانا شبکه‌ای از روابط است.

1. semiosis
3. structure

2. meaning, sense
4. relational structure

رویکرد «تقابل‌های دوگانه»^۱ - متأثر از اصطلاحات «دال/مدلول»، «لانگ/پارول» و ... در مطالعات سوسور- بنیادی‌ترین روش ساخت‌گرایان در بررسی روابط ساختاری است که فرایند تحلیل و شکل‌گیری معنا را از طریق اجزای دوگانه و متضاد متون پی می‌گیرد (← حقیقت، ص ۵۰۱). لوی استروس معتقد بود ذهن انسان ابتدایی و مدرن امور را همواره با ضدشان از قبیل «زشت/زیبا»، «خوب/بد» و ... می‌شناسد و تقابل‌ها را ابزاری برای سازماندهی واقعیت به شمار می‌آورد. (← ایگلتون، ص ۱۴۳)

ساخت‌گرایی ادبی تلاشی بود برای راهیابی به دنیای نشانه‌های اثر ادبی، رازگشایی^۲ رمزگان و نشانه‌ها، و دریافت روابط درونی اثر (← احمدی، ص ۷). ساخت‌گرایان، در موضوع جستجوی معنا در خلال نظام و اجزای متن، بر این بودند که متن‌ها چگونه معنا می‌دهند نه اینکه چه معنایی می‌دهند. نکته مهم اینکه آنان، با دقت در هر دو جنبه «ساخت» و معنا و چگونگی شکل‌گیری آن، به قالب‌هایی ثابت و تعمیم‌پذیر و «زنجیره‌ای از معانی پایدار» (تسلیمی، ص ۱۸۴) و مستقیم معتقد بودند.

ساخت‌شکنی و خوانش متفاوت متن

ترجیح گفتار بر نوشتار و اعتقاد به یک واقعیت غایی یا «مدلول متعالی»^۳ در اندیشه «کلام‌محوری»^۴ متفکران سنتی غرب متأثر از آموزه‌های افلاطون (← لیجت، ص ۱۶۲؛ شمیسا، ص ۲۰۶) سبب شد ساخت‌گرایان، برای هر ساختار، پایه و اساسی در نظر گیرند؛ دیدگاهی که با ظهور اندیشه‌گران فلسفی با تردیدهایی عمیق مواجه شد.

ژاک دریدا، متفکر فرانسوی، «ساخت‌شکنی» (شالوده‌شکنی یا واسازی)^۵ را به مثابه «رویکرد»ی متفاوت با ساخت‌گرایی در تحلیل متن پیشنهاد داد. ساخت‌شکنی، همچون ساخت‌گرایی، بر محوریت مصالح و نظام متن تأکید داشت (← رضایی دشت‌ارژنه، ص ۴۱) اما، برخلاف دیدگاه ساخت‌گرایان، که متن را اصول و قوانینی نظارت می‌کند و مخاطب آگاه باید در جستجوی آن‌ها باشد، در ساخت‌شکنی، متن پرداز به مدد تجربه‌های بیرونی و زیرساخت فکری خود دست به تأویل می‌زند و حدود متن را می‌شکافد و به نتیجه‌ای متفاوت می‌رسد (← امامی، ص ۲۳). در مقوله معنای متن، و اینکه متن چه احساسات و مفاهیمی القا می‌کند، شالوده‌شکنی به تلاقی

1. binary appositions

3. transcendental signified

5. deconstruction

2. decoding

4. logocentrism

دو حرکت معتقد است: حرکتی که از مصالح و داشته‌های درون متن برمی‌خیزد و حرکتی که، هم‌زمان، از مرزهای بیرون متن و از کوشش متن‌پرداز نشئت می‌گیرد (← نجومیان ۱، ص ۲۲۸). در باب معنا ساخت‌شکنان معتقدند، «هنگامی که ساخت یک متن شکسته می‌شود، برتری یک معنا بر معنای دیگر از بین می‌رود و متن شکلی چندوجهی پیدا می‌کند». (انوشه، ذیل ساخت‌شکنی)

دریدا، با انتقاد از تعبیر «مرکز»^۱ در ساخت‌گرایی (← سلدن، ص ۱۶۵) و سیطره آن بر ساختار و جایگزین‌ناپذیری تعبیری برای مرکز (← آهی و طاهری، ص ۱۳۸)، آن را محدودکننده حرکت مؤلفه‌ها یا «بازی»^۲ متن می‌داند. او با وضع اصطلاح «مرکززدایی»^۳، به جای ساختن نظم تازه یا مرکز جدید، از نظام‌ها و مراکز بحث کرد؛ زیرا «مرکززدایی موجب می‌شود که شما فرصتی بیابید تا از نظامی که در آن حرکت می‌کرده‌اید خارج شده و با نگاهی جدید به آن نظام بنگرید» (نجومیان ۲، ص ۴۱). جریان دلالت، در نظر دریدا، نه از دال به مدلول بلکه از مدلول‌های بی‌پایان شکل می‌گیرد؛ از همین روی، «معنای نشانه اینجا ناتمام می‌ماند و در زنجیره‌ای تداوم می‌یابد. تفسیری که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد خود دوباره نشانه است» (سجودی ۱، ص ۲۰۵). بنابراین، در ساخت‌شکنی، فقط پای متن در میان نیست و «برخورد میان متن و خواننده برخوردی است میان تمام ادعای متن، افقی که بدان راه می‌یابد، امکاناتی که آشکار می‌کند؛ و افقی دیگر افق انتظارهای خواننده است». (ریکور، ص ۶۳)

«نسبی بودن» معنا و حاکمیت نداشتن نتیجه‌ای خاص رهاورد دیگر مشارکت متن و خواننده (نگاه انسانی) در شالوده‌شکنی است. «در مکتب شالوده‌شکنی، ذهن انسان از مطلق‌گرایی رها می‌شود؛ اصلی که برآمده از تجربیات مدرن و پست‌مدرن بشر است» (دهقانیان، ص ۱۰۳). خوانش متعدد متن تفسیرهایی به دنبال دارد که ممکن است با یکدیگر و حتی با نظر متن‌ساز در تضاد و تناقض باشد؛ وضعیتی که دریدا با واژه *différance* - «تفاوت» همراه با «تعویق» (نوریس، ص ۱۶) - بیان کرد. در ساخت‌شکنی می‌توان نویسنده و معناهای معهود را کنار گذاشت و، از نو، خوانش تازه‌ای آغاز کرد.

در واسازی نشانه‌ها دال‌ها به مدلول قطعی نمی‌رسند؛ معنا در چندقدمی مان است اما در دست‌یابی کامل به آن ناکامیم؛ روندی که به متون ادبی نیز راه یافت: «زبان ادبی همواره از مرگ می‌گوید. دریدا می‌گوید مرگ در میان حروف قدم می‌زند» (نجومیان ۱، ص ۲۲۹). با عینک شالوده‌شکنی «می‌توان گفت هر اثری یک آفریننده نخستین دارد و هزاران و شاید هم بتوان گفت بی‌شمار آفریننده ثانوی» (شفیعی کدکنی، ص ۱۷۳). دریدا اصطلاح *dissemination* («پراکنش») (امامی، ص ۲۰) را برای جریان‌یافتگی معانی گوناگون و متفاوت، از طریق جایگزین‌ها یا مترادف‌های آن و انکار هرگونه معنای دقیق و

1. center
3. decentering

2. game

خاص، به کار برد. برای ساختار شکنی، اصطلاح «معنی‌پیرایی» یا «تفسیرزدایی» (شمیسا، ص ۲۰۹) را هم به کار برده‌اند؛ اینکه می‌توان امر بدیهی را رها کرد و از سویه غایب و مغفول یا حتی خارج از این دو سویه به جهان نگریست. در این صورت است که نگاه ما به جهان تغییر می‌کند (← شایگان‌فر، ص ۲۰). ساخت‌شکنی، به تعبیری، امکان‌دادن به تنوع معنایی در قلمرو متن است.

۳. خلاصه رمان

«ناصر»، دانش‌آموز دبیرستانی، در خانواده‌ای پنج‌نفره با برادر و خواهری کوچک‌تر زندگی می‌کند. مادرشان خانه‌دار و پدرشان کارگر کارخانه است. در ایام امتحانات، ناصر، با دریافت نامه‌ای از دوستش «علی»، از عملیاتی قریب‌الوقوع مطلع می‌گردد. به‌رغم داشتن تجارب متعدد حضور در جبهه، این‌بار با مخالفت پدر مواجه است اما با وساطت علی و جلب رضایت پدر عازم جبهه می‌شود و، در عملیات «کربلای پنج»، شجاعتی بی‌نظیر از خود نشان می‌دهد. علی و تعدادی از دوستان به شهادت می‌رسند. ناصر، که مجروح شده، با کمک نیروهای تازه‌نفس به منزل برمی‌گردد. داستان رفتار و رشادت رزمندگان را به نمایش می‌گذارد.

۴. بحث و بررسی؛ بازخوانی رمزگان در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه

رمزگان مرتبط با مناسبات اجتماعی-فرهنگی

جنگ پدیده‌ای است که می‌تواند عناصر فرهنگی بیافریند یا در خود بگنجانند. از نظر تایلور، «فرهنگ کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد» (آشوری، ص ۷۱). دفاع مقدس، از اینکه منشأ تولید و بازنشر عناصر فرهنگی بسیار بوده است، نوعی متن با ظرفیت نشانه‌ای ویژه به شمار می‌آید.

«جنگ، از منظر نشانه‌شناسی، به‌مثابه فرایند معناپردازی در ارتباطات انسانی و در بافتی اجتماعی-فرهنگی تلقی می‌شود و این طرز تلقی است که جنگ را موضوعی بااهمیت معرفی می‌کند» (ساسانی ۲، ص ۵۱). چهار عنصری که در ادامه مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود، به‌منزله رمزگان اجتماعی-فرهنگی، محملی برای شکل‌گیری و تولید معنا در لایه‌های گوناگون رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه خواهند بود.

۱) خانواده- از آن به «جامعه کوچک» و اولین عنصر اجتماعی-فرهنگی یاد می‌شود که فرد در فضای فکری آن می‌بالد. الگوی زندگی افراد خانواده، تصمیماتشان، و طرز تلقی‌شان از حوادث جامعه و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر خانواده- مستقیم و غیر مستقیم- در ذهن و ضمیر اعضا مؤثر می‌افتد. حوادث فصل آغازین و پایانی رمان مزبور نیز در میان خانواده ناصر (راوی و شخصیت اصلی

رمان) می‌گذرد. به عبارتی، سایه اندیشه و رفتار خانواده راوی سراسر داستان یا، در نگاهی وسیع‌تر، کل جنگ را دربرگرفته و این امر نشانه‌ای است که با بسیاری از حوادث رمان گره خورده.

فصل اول تصویری است از فضای گفتمانی و عاطفی افراد خانواده که در طول روز با هم می‌نشینند، تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی را به یاد می‌آورند، درباره مسائل خانواده و جامعه و جنگ اظهار نظر می‌کنند. ناصر (رزمنده نوجوان و شخصیت اصلی داستان) از همین نهاد کوچک برمی‌خیزد؛ امتحانات را رها می‌کند و به جبهه می‌رود و در سنگر و خط مقدم جبهه خانواده و خاطراتشان را مرور می‌کند. در انتهای رمان هم ناصر رزمنده در دامن همین نهاد آرام می‌گیرد. دهقان، با گزارش عملکرد و روحیات اشخاص خانواده ناصر، به گونه‌ای برجسته و پررنگ جایگاه و نقش مؤثر این عنصر مهم فرهنگی-اجتماعی در دفاع مقدس را نشان داده است. و اما افراد خانواده:

پدر میان سال و کارگر کارخانه است. با وجود خستگی از سختی کار، روابط خوبی با اعضای خانواده دارد. با اینکه فرزندش را چندین بار به جبهه فرستاده، این بار مخالف است و بر ادامه تحصیل او تأکید دارد اما، با وساطت علی (دوست ناصر)، با اعزامش موافقت می‌کند:

خب دیگه ناصر هم داره درس می‌خونه الحمدلله. فردا مملکت دکتر می‌خواد، مهندس می‌خواد، باسواد می‌خواد؛ فقط که جنگ نیس! یه عده باید برن جنگ، یه‌ده هم درس بخونن. (دهقان ۱، ص ۲۱)

مادر خانه‌دار است و عهده‌دار امور منزل و نظارت بر کار فرزندان. در تصمیمات خانواده اظهار نظر می‌کند؛ با دوستان بچه‌هایش در ارتباط و حلقه اتصال میان تمام اعضای خانواده است:

مادر می‌خواهد آشتی ناگفته‌ای را در خانه برقرار کند؛ حتی اگر این آشتی در کنارهم نشستن باشد. (همان، ص ۱۸)

مصطفی فرزند میانی و دانش‌آموز دوره ابتدایی است. در غیاب ناصر، جانشین برادر و یاور خانواده است. رفتارهایش در موقعیت‌های گوناگون، در نقش یادشده، به تصویر درآمده؛ از جمله:

مصطفی سفره را جمع می‌کند و می‌آید می‌افتد رو کتاب‌هایش. (همان، ص ۲۶)

ناصر فرزند بزرگ خانواده، رزمنده، راوی، و شخصیت اول داستان است؛ دانش‌آموزی دبیرستانی که چندین بار تجربه حضور در جبهه دارد. او کمک و مشاوره مناسب برای اعضای خانواده است و نقطه اتکا و امید آینده‌شان. ناصر نماد سرمایه ارزشمندی است که، ناچار، باید از آن چشم پوشید.

رؤیا فرزند کوچک و تنها دختر خانواده است. شخصیت رؤیا — همچنان که از نامش پیداست — رمزگانی هدفمند در رمان است. او محبوب همه اعضای خانواده و محل رجوع آنهاست؛ فردی رؤیایی و مدلول وحدت و عطفوت. حتی در خط مقدم در خواب ناصر حضور دارد و نقش بازی می کند:

رؤیا سرش را تکان می دهد و خودش را لوس می کند و می گوید: «ساعت چهار داداش منو کجا می خوی ببری؟!» (همان، ص ۲۶)

حاضر خودم ترکش بخورم ولی یادگاری رؤیا آسیبی نینند. (همان، ص ۱۷۴)

۲) اطوار و شگردها — می توان آن را از عناصر ظریف فرهنگ برشمرد که در مجموعه ای از افکار، اعتقادات، پسندها، دل بستگی ها، نوشته ها، گفته ها و شنیده ها، و روابط و عادات رزمندگان ظهور می کند (← شمشیرگرا، ص ۱۶۵). اطوار جلوه ای از هویت افراد و گروه هاست و، چون در روابط بین اشخاص جلوه گری می کند، بیانگر سطوح فرهنگی شان است. «در دنیای پُر رمز و راز جبهه، گرایش به اخلاق گرایی، ایثار، و روحیه شهادت طلبی از جمله مواردی بودند که منجر به شناخت معرفت شدند.» (پارسی نژاد، ص ۵۲)

اطوار و شگردها (رفتارها) از جمله رمزگان برجسته فرهنگی در سفر به گرای ۲۷۰ درجه اند که اندیشه ها و نیت ها را در خود مجسم می سازند. دهقان نشان داده است که، در خلال واقعیت های تلخ و شیرین جنگ، به رفتار رزمندگان نظری عمیق دارد. او، با گنجاندن این عناصر فرهنگی در رمانش، بر ارزش لایه های مفهومی آن می افزاید. صمیمیت و شوخ طبعی، گذشت و نوع دوستی، تعاون و همکاری، صبر و استقامت، نقد و هوشیاری، اعتقادات و دین مداری، اخلاق محوری و تواضع، ترس و نگرانی، ایثار و فداکاری، و جدیت و احساس مسئولیت از جمله مدلول های نهفته شگردها و اطوار جامعه جنگ در رمان مزبور است:

علی به هر سنگری که می رسد متلکی می پراند و خودش بلند می خندد. (دهقان ۱، ص ۱۲۶)

زمزمه بچه ها را می شنوم: یا دارند حرف می زنند یا اینکه نماز می خوانند. (همان، ص ۱۲۸)

میرزا می گوید: «آمانت گرفتیم؛ یادتون باشه صب باید پپ پشون بب بدیم». (همان، ص ۸۰)

۳) خرده فرهنگ های دفاع مقدس — خرده فرهنگ ها عناصر تأثیرگذار و جزئی تر در متن جنگ اند که با آغاز جنگ خود را نشان می دهند؛ عناصری ارزش دهنده که در تکمیل زبان جنگ به مثابه رمزهایی ویژه عمل می کنند. چنان که گفته اند،

رمز حلقه واسط میان پدیدآورنده، متن، و مخاطب، و نیز عامل پیوند درونی متن است. به کمک همین پیوند درونی، متون متعدد در شبکه‌ای از معانی به وجود آورنده دنیای فرهنگی ما با یکدیگر ارتباط می‌یابند. (کوثری، ص ۳۳۲)

احمد دهقان، با گنجاندن رمزگان مزبور، هم تسلط خود را بر متن وسیع جنگ نشان داد؛ هم لایه‌های غنی فرهنگی در روابط افراد جامعه جنگ را آشکار ساخت. نامه‌نگاری رزمندگان، تبلیغات در جنگ، روند آماده‌سازی رزمنده توسط خانواده (جمع‌آوری وسایل، بدرقه و ...)، اخذ مرخصی، تشویق و روحیه‌بخشی، اطلاع‌رسانی اخبار جنگ، رفتار ویژه رزمندگان، آداب کمک‌رسانی، نوع استتار و پنهان‌سازی رزمندگان در مقابل دشمن، اغوای دشمن، چاره‌گری‌های اقتصادی، و واسطه‌گری برای اعزام رزمنده رمزگانی‌اند که خرده‌فرهنگ‌های جنگ را در زمان دهقان شکل می‌دهند:

مادر می‌گوید: «نامه بنویس؛ به ما رحم کن». (دهقان ۱، ص ۲۹)

بلندگوی حسینیه گردان سرود تند و مهیجی پخش می‌کند. (همان، ص ۶۷)

کامیون‌ها را با گل رُس استتار کرده‌اند. (همان، ص ۸۹)

از پشت بلندگوها، گوینده رادیو تهران توجه همه را به خود جلب می‌کند و خبرهای حمله را می‌گوید. (همان، ص ۹۵)

۴) اسامی و نام‌ها - نام‌گزینی از حساس‌ترین مراحل در نگارش داستان است، چراکه نویسنده هم باید به جریانات فکری حاکم بر متن بیندیشد و هم به روند انسجام نیروهای همسو و ناهمسو در ترکیب اجزای داستان. اسامی می‌توانند، با فعال کردن دلالت ضمنی، مسئولیت تکمیل معانی نشانه‌ها را بر دوش کشند؛ به عبارتی،

خواننده، با این اسم و توصیف‌های نویسنده، مجموعه‌ای از مشخصه‌های معنایی را در ذهنش مجسم می‌کند و به تدریج که داستان شکل می‌گیرد شخصیت هویت می‌یابد. خواننده، به کمک اسم خاص، به دنیایی از مشخصه‌های معنایی دست پیدا می‌کند. (اخوت، ص ۱۶۵)

و بدین گونه است که نام‌ها به صاحبانشان وجهه فرهنگی ویژه‌ای می‌بخشند.

در سفر به گرای ۲۷۰ درجه، ناصر (شخصیت اصلی و راوی رمان) هم فرزند ارشد خانواده و چشم امیدشان است و هم در جبهه، در جایگاه فرمانده یک گروه آرپی‌جی‌زن، مسئولیت انهدام تانک‌ها را بر عهده دارد. بنابراین، نام «ناصر» (یاری‌دهنده/یاور) نمی‌تواند بی‌جهت انتخاب شده باشد. رسول رزمنده‌ای شانزده‌ساله و دوست داشتنی است که، با وجود شهادت دو تن از برادران و به‌رغم

ممانعت فرماندهان، در جبهه حضور یافته است. تلاش کارساز او، در کنار افراد باتجربه، پیروزی ارزشمندی رقم می‌زند. در واقع، او «رسول» و «فرستاده» ای در مسیر پیروزی رزمندگان است. میرزا جوانی است که، به‌علت داشتن لکنت زبان، از ادای صحیح کلمات و جملات ناتوان است اما، با شوخ‌طبعی و فضا سازی‌های عاطفی، جایگاهی ویژه در میان رزمندگان کسب می‌کند. بنابراین، نام «میرزا» - عنوانی که سابقاً مختص شاهزادگان بوده و در پایان نام آن‌ها می‌آمده است (- عمید، ذیل میرزا) - کاملاً با این شخصیت همسوست. ابوالفضل، اصغر، حاج‌نصرت، حیدر، رؤیا، علی، فاسم، مسعود، مصطفی، مهدی و ... از دیگر نام‌هایی است که می‌توانند مبین دلالت‌های فرهنگی ویژه‌ای در زمان مزبور باشند.

رمزگان مرتبط با جنگ

۱) رمزگان عام و جهانی - با نام جنگ آمیخته و جهانی اند و، در هر جنگ، با هر گروهی همراه اند و نویسنده حوزه جنگ به ناچار آن‌ها را در اثر خود می‌گنجاند. تنوع «رمزگان عام» جنگ در انعکاس دقیق و مؤثر حوادث این حوزه و نوع نگاه نویسنده نقش دارد. این رمزگان، علاوه بر بیان میزان امکانات طرف‌های درگیر و حجم نبرد، می‌تواند دال‌هایی برای انگیزه‌های فکری و فرهنگی متن جنگ باشد. در سفر به گرای ۶۷۰ درجه، رمزگان عام با تنوعی مناسب و در گروه‌های گوناگون به نمایش درآمده است که، به اختصار، به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) ادوات: «موشک»، «آرپی جی»، «توپ»، «تیر»، «آتش‌بار»، «نارنجک»، «سرنیزه»، «ضد هوایی»، «مهمات»:

تیرهای جنگی و موشک‌های آرپی جی را جلوی چادر دسته‌ها ریخته‌اند. (دهقان ۱، ص ۸۸)

ب) مکان‌ها: «چادر»، «اردوگاه»، «سنگر»، «خط مقدم»، «دژبانی»:

پشت دژبانی جاده اهواز-خرمشهر گیر کرده‌ایم. (همان، ص ۷۱)

پ) پوشاک: «فانسقه»، «پوتین»، «اورکت»:

حسین رو زمین نشسته و پوتین واکس می‌زند. (همان، ص ۴۸)

ت) تجهیزات شخصی: «کیسه خواب»، «قمقمه»، «پلاک»، «ماسک»:

سلام پلاک‌تون حاضر شد؛ براتون آوردم. (همان، ص ۸۵)

ث) تجهیزات عمومی: «منبع آب»، «آمبولانس»:

جلوی چادرها منبع آبی قرار دارد. (همان، ص ۳۹)

ج) اصطلاحات نظامی: «مشق نظامی»، «حمله»، «عملیات»، «رزم شبانه»:

- تجهیزات رو بذارید رو اسلحه تون؛ برا رزم شبانه دم دستتونه. (دهقان ۱، ص ۵۶)
- چ) مسئولیت و جایگاه: «دژبانی»، «کارگزینی»، «غواص»، «فرمانده»:
غواصی است که افتاده و دست و پایش را از هم باز کرده. (همان، ص ۱۳۷)
- ح) واحد نظامی: «گردان»، «لشکر»، «گروهان»، «دسته»، «ستون»:
گردن می کشم تا ببینم ته ستون چه اتفاقی افتاده. (همان، ص ۱۴۲)

۲) رمزگان خاص و ویژه - این نوع رمزگان واژه‌ها، اصطلاحات، عملکردها، و مناسکی اند که جریان‌های فکری و باورهای اعتقادی-دینی مشخصی را نشان می‌دهند و حتی در اتخاذ تصمیم در باب شیوه‌های نبرد و نحوه برخورد با دشمن می‌توانند مؤثر باشند. در رمان‌های دفاع مقدس، باورهای دینی در رفتار رزمندگان و فرماندهان جلوه‌ای ویژه دارد. «ادبیات دفاع مقدس به ادبیاتی اطلاق می‌شود که درباره مقاومت و ایستادگی و دفاع مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است». (سنگری، ص ۲۱)

گروه رمزگانی که در ذیل آورده می‌شود دلالت دارد بر افق‌های دینی و دیدگاه‌های مذهبی-سیاسی نهفته در تفکرات رزمندگان رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه:

الف) اصطلاحات عام دینی: «نماز»، «وضو»، «آیت الکرسی»، «اذان»، «سجاده»، «مهر»، «تسبیح»، «بهشت»:

یکی بر بلندی گوری می‌ایستد و اذان می‌گوید. (دهقان ۱، ص ۶۳)

ب) واژگان مرتبط با اندیشه‌های شیعی: «حسینیه»، «کربلا»، «امام حسین^ع»، «امام زمان^{عج}»، «حضرت عباس^ع»:

همین آدما بودن که امام حسین رو تو کربلا تنها گذاشتن. (همان، ص ۳۳)

پ) واژگان مرتبط با اندیشه‌های انقلاب اسلامی: «بسیجی»، «چفیه»، «سربند»، «پیشانی‌بند»:

چفیه مشکی، با خط‌های مورب سفید، دور گردنش انداخته. (همان، ص ۹۴)

ت) اسامی با رویکرد دینی: «گردان سلمان»، «لشکر بیست و پنج کربلا»، «عملیات کربلای پنج»، «خاک‌ریز عاشورا»:

عملیات کربلای پنج حدوداً از ساعت ۱۰ دیشب شروع شد. (همان، ص ۸۷)

۳) مجموعه رمزگان سخت و خشن جنگ - نویسنده سفر به گرای ۲۷۰ درجه تلاش دارد جنگ را به دور از هرگونه شعارزدگی و نگاه اغراق‌آمیز و یک‌جانبه بازآفرینی کند. او بر آن نیست رزمندگانی را به تصویر کشد که همواره در مسیر پیروزی گام برمی‌دارند بی‌آنکه دچار هیچ‌گونه

جراحت و آسیب جانی شوند. داستان مبارزه رزمندگان، در نظر دهقان، باید به گونه‌ای باشد که آیندگان تصویری واقعی و باورپذیر از گذشته قهرمانان خود در ذهن مجسم سازند؛ از این رو، در کنار وصف رشادت رزمندگان، به ناکامی‌هایشان در مقابل جنایات و ناجوانمردی دشمن نیز پرداخته می‌شود، زیرا

ادبیات داستانی جنگ ادبیاتی است که جنگ را، با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش، به مخاطب نشان بدهد و این‌گونه ادبیات می‌تواند درباره شجاعت و پایمردی ملتی باشد یا درباره فرومایگی و پستی ملتی دیگر. (حنیف، ص ۱۱)

دهقان شرح ناملايمات نبرد و تلخی‌های مبارزه را رسالت میهنی و انسانی خود می‌داند. با همین دیدگاه است که سلوک دشوار فرزندان ملت برای نسل‌های آینده می‌تواند ارزشمند تلقی شود. در نظر او، «اگر شهیدشدن سختی نداشته باشد چه فایده دارد» (دهقان ۲، ص ۲). در همین راستا، لحظه شهادت مظلومانه علی، در زیر شنی تانک، تصویری است دردناک از جان دادن مظلومانه رزمندگان در برابر دشمنی سنگ‌دل.

انفجارهای شدید و ترس ناگهانی و حیرانی رزمندگان، قدرت توپخانه دشمن، شمار زیاد مجروحان و وضعیت جسمی نامساعدشان، لحظه اسارت رزمندگان، شدائد خطوط مقدم، سرمای فراوان و کمبود امکانات، تعدد جنایات دشمن، ازدست رفتن نیروهای خودی، شدت نبرد و کمبود مهمات، صحنه دل‌خراش شهادت عزیزان و کمبود امکانات امدادی، و خداحافظی تلخ خانواده‌ها با فرزندان از جمله رمزگانی است که ناملايمات و لایه‌های خشن دفاع مقدس را در رمان دهقان به تصویر می‌کشد:

هنوز خون میرزا کف کانال ریخته، فرستادیمش عقب اما نمی‌دانم زنده می‌ماند یا نه. (همو، ص ۱۹۸)

مجروحین رو برانکاردها و زمین پخش شده‌اند؛ گیج و حیران مانده‌ایم که چه باید بکنیم. (همان، ص ۱۸۰)

گلوله‌های تانک کنار سنگرمان می‌ترکند؛ از هر طرف فریادی برمی‌خیزد. (همان، ص ۱۶۰)

۴) مجموعه رمزگان زلال و افتخارآمیز جنگ - جنگ، در اندیشه رزمندگان، فتح سنگرها و شهرها و کشتن سربازان دشمن و تصرف غنائم نبود. با همین چشم‌انداز فکری بود که میدان نبرد، در جبهه‌ها، مفاهیم انسانی زیبا و ماندگار هم به خود دید و، در میان حوادث تلخ و ناگوار، صحنه‌های شیرین و اثربخش بسیاری خلق شد که صفحات کتاب خاطرات رزمندگان به آن‌ها آراسته است. دهقان، در خلال شرح حوادث رمان، حتی در سخت‌ترین لحظات خطوط مقدم، از به تصویر کشیدن گوشه‌های زلال و افتخارآمیز جنگ در رفتار و گفتار رزمندگان غافل نیست.

دورهم‌نشینی رزمندگان و شوخی و مزاحشان با یکدیگر، صمیمیتشان در سنگر یا چادر، امیدواری و شادابی‌شان در لحظات دشوار نبرد، روحیه‌بخشی به یکدیگر و داشتن احساسات مثبت، اعتقاد به امدادهای غیبی، داشتن حسّ تعاون، و برگزاری محافل مناجات و عبادات از جمله زوایای زیبای رفتار رزمندگان در رمان است که با رمزگان مخصوص به نمایش درمی‌آید:

چشم می‌افتد به پشت ماشین که با خطّ سفید نوشته‌اند: «مولا میسند که لوطیان خوار شوند». (دهقان ۱، ص ۱۶۳)

ماشین‌های مهمات، ماشین‌های غذا و ... که پشت آن سرود می‌خوانند و عده‌ای دیگر محو مناظر هستند. (همان، ص ۱۱۵)

هرکس به دیگری کمک می‌کند؛ کسی که دستش زخمی است پای کسی می‌شود که ترکش خورده و نمی‌تواند راه برود. (همان، ص ۲۰۳)

رمزگان فنی

۱) نمادها- در سفر به گرای ۲۷۰ درجه محملی برای معناسازی‌اند و، از معابر گوناگون، در جریان حوادث داستان قرار می‌گیرند؛ آن‌ها واژه‌هایی‌اند که از متن زندگی افراد یا طبیعت اخذ می‌شوند و با محتوای رمان پیوند می‌خورند و از این قرارند:

الف) تلویزیون. در اولین فصل رمان و در صفحات ابتدایی، با نمایش برنامه‌های متفاوت در شبکه‌های مختلف، برخی اختلاف‌نظرهای فصل‌های آتی رمان را تداعی می‌کند و، در قامت نشانه‌ای چندمعنایی، مدلول‌های گوناگونی به خود می‌پذیرد؛ با این توضیح که «چندمعنابودن پیامد تنوّع رمزگان‌هاست» (گیرو، ص ۴۷):

تلویزیون صحنه‌های نبرد را نشان می‌دهد و مردم را به جنگ می‌خواند [...]؛ مادر کانال تلویزیون را عوض می‌کند. - «[چرا عوض کردی؟]» (دهقان ۱، ص ۱۲)

صدای تلویزیون را زیاد می‌کنم؛ اسبی گردن اسب دیگر را به دندان گرفته [...] (همان، ص ۱۵)

تلویزیون سیرک چینی نشان می‌دهد [...] (همان، ص ۱۹)

تلویزیون، با نمایش برنامه‌های «متنوّع» و «متضاد»، می‌تواند تصویری از «خانواده ناصر» باشد. در خانواده ناصر، دیدگاه‌های متضادی درباره جنگ حاکم است: درحالی‌که ناصر به رهاکردن امتحانات و پیوستن به دوستانش در جبهه می‌اندیشد، پدر و مادرش بر ماندن او و پی‌گرفتن تحصیلات تأکید دارند:

مادر می‌گوید: «ناصر می‌خواه بره»؛ پدر، اخم‌آلود، می‌پرسد: «کجا؟» (همان، ص ۱۶)

- «والله مملکت دکتر می‌خواد، نویسنده می‌خواد [...]؛ خون‌دادن که کاری نداره». (همان، ص ۲۲)
- تلویزیون همچنین می‌تواند جامعهٔ زمان جنگ را تداعی کند که، در آن، واکنش‌هایی متفاوت در قبال جنگ حاکم است: در حالی که گروهی برای دفاع از کشور در جبهه حاضر می‌شوند و جانشان را به خطر می‌اندازند، برای گروهی دیگر جنگ امری عادی تلقی می‌گردد:
- مردها و زن‌ها به هر طرف می‌روند اما هیچ‌کس به ما توجهی ندارد؛ ما که از زیر باران گلوله و توپ به اینجا آمده‌ایم [...] ما برای مردم عادی شده‌ایم. (همان، ص ۲۰۹)
- ب) پلنگ (تصویر پلنگ روی پتو). آزمون‌ها و حوادث بزرگ و سختِ ادامهٔ داستان را به ذهن می‌آورد:
- وسط چادر، به‌روی پتویی، پلنگی دهان باز کرده و نعره می‌کشد. (همان، ص ۴۱)
- پ) پرندۀ مهاجر. می‌تواند نماد رزمندگان باشد که از وطن خود به جبهه آمده‌اند و به‌سوی خطِّ مقدم می‌روند:
- به آسمان نگاه می‌کنم؛ چند پرندۀ مهاجر در یک خط پرواز می‌کنند و رو به جنوب می‌روند. (همان، ص ۴۳)
- ت) سگ‌ها. تجسّمی از دشمن و سربازان جبههٔ مقابل است:
- سگ‌ها در آن دورها به جان هم افتاده‌اند. در انتهای آسمان سپیده سرزده است. (همان، ص ۶۳)
- ث) ماه. می‌تواند نماد شهادت و حقیقت باشد که با شهادت گروهی از رزمندگان در داستان پیوند می‌خورد:
- عکس ماه در موج‌ها هزار تکه شده. (همان، ص ۵۹)
- ج) مرغ ماهی‌خوار. می‌تواند نماد فرشتهٔ مرگ و حوادث دشوار باشد:
- مرغ ماهی‌خوار، که به‌سمت کانال ماهی می‌گریخت، دور می‌زند و برمی‌گردد. سربازان رو به آسمان بلند می‌شود. (همان، ص ۱۷۰)
- ۲) جملات کوتاه - به‌منزلهٔ برجسته‌ترین ویژگی زبانی رمان، با ذهنیت شخصیت‌ها که عمدتاً نوجوان‌اند پیوند می‌خورند و، به‌مثابهٔ رمزگان، نقش‌ها و کارکردهای متنوعی می‌گیرند:
- الف) ایجاد تعلیق در داستان. جملات کوتاه گاه حالاتی را در مسیر حوادث داستان مجسم می‌سازند که انرژی مضاعفی برای پیگیری مراحل آتی به مخاطب می‌بخشد:
- هیجان‌زده‌ام، احساس می‌کنم که دارم می‌لرزم. تیربار عبدالله از نفس نمی‌افتد. رسول نوار فشنگ‌ها را گرفته تا تیربار خوب تغذیه شود. (همان، ص ۱۸۸)
- ب) تک‌گویی. تک‌گویی‌های ناصر (نوجوان و شخصیتِ اول)، در جای‌جای داستان، با جملات کوتاه بیان می‌شود و مخاطب از افکار و واکنش‌های او اطلاع می‌یابد:

یکهو در دل احساس کوچکی می‌کنم. همه چیز در وجودم به هم می‌باشد. ذره‌ای هستم که، اگر این بند اتصال نیز قطع شود، هیچ چیز ندارم؛ هیچ چیز. (دهقان ۱، ص ۱۴۰)

پ) ترس و اضطراب. کاربرد جملات کوتاه گاه نمایانگر وجود چنین احساسی در اشخاص داستان است:

سکوت وهم‌انگیزی همه‌جا را گرفته. این سکوت ترس می‌اندازد در جانمان. صدای حرکت تانک‌ها از دور بلند است. (همان، ص ۱۳۵)

ث) نقطه اوج. به تناسب اوج گرفتن حوادث رمان، لحن بیان جملات نیز اوج می‌گیرد:
برمی‌خیزم می‌نشینم. نفسم جا می‌آید. داستانم را دور دهان حلقه می‌کنم و فریاد می‌کشم: «علی! ... علی! برو کنار؛ یکی اون تانکو بزنه ... علی! ...». (همان، ص ۱۴۷)

۳) واژگان خاص - بسامد برخی واژه‌ها در رمان دهقان چشمگیر است و، به مثابه رمزگان، معنایزدازی می‌کنند و فضاها یا حس و حالی می‌آفرینند و گاه نیز مفاهیمی نمادین به خود می‌گیرند (مفاهیمی چون ترس و وحشت، امید و شادمانی، اضطراب و نگرانی و ...): واژگانی از این دست:

الف) سرما. این واژه، علاوه بر کاربرد ارجاعی، در کارکرد هنری و هم‌نشینی با حوادث سخت پیش‌رو، «شداند» و «نگرانی‌ها» را تداعی می‌کند (← همان، ص ۲۵، ۲۶، ۵۴، ۵۹، ۶۱، ۷۶، ۱۲۶):

از سرما دستمان بی‌حس شده؛ به هم کمک می‌کنیم تا پیاده شویم. (همان، ص ۷۶)

ب) گنجشک. می‌تواند دال بر نجابت و سادگی و لطافت رزمندگان نوجوان باشد:

گنجشک‌ها سرمازده به هرسو می‌روند. (همان، ص ۲۷)

پ) ایر. یادآور خاطرات و حوادث و حالات گوناگون است (← همان، ص ۳۸، ۶۶، ۱۰۹ و ...):

ابراهیم پنه‌ای دنبال هم کرده‌اند، ابرهایی که فقط زیبا هستند [...]؛ حتی رؤیا هم از این ابرها نمی‌ترسید. (همان، ص ۳۸)

ت) آسمان. محل تجلی امید و آرزو و نیز پناه رزمندگان در سختی‌هاست (← همان، ص ۶۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۷):

بی‌اختیار نگاهم می‌رود به آسمان؛ همیشه تنها راه‌هایی از محاصره تاریکی شب بوده. (همان، ص ۱۵۷)

ث) خورشید. تداعی‌کننده امید، حقیقت، فتح و پیروزی، و شهادت است (← همان، ص ۵۰،

۷۴، ۸۸، ۱۹۵):

افق به سرخی می‌زند و خورشید، مثل مرغ سرکنده، جان می‌دهد. بر همه چیز رنگ سرخ پاشیده شده.

(همان، ص ۷۴)

۴) تیپ‌ها- چون بسیاری از شخصیت‌های رمان دهقان نوجوان‌اند و مقطعی حسّاس از عمر را می‌گذرانند، او تلاش دارد هم ویژگی‌های درونی و روحیات و خلق‌وخو و عملکرد فردی رزمندگان را به تصویر کشد و هم تصویری از تنوع شخصیتی و ویژگی‌های جامعه زمان جنگ ارائه دهد. خلق تیپ‌های شخصیتی با بسیاری از اجزای یادشده در مراحل قبل پیوند می‌خورد و در شکل‌گیری معنا مؤثر می‌افتد؛ تیپ‌هایی از این قرار:

الف) ناصر. شخصیت اول و راوی داستان؛ نوجوانی دبیرستانی و ایشارگر که، با هدف انهدام تانک‌های دشمن، به فرماندهی تیم گروهان ویژه منصوب می‌گردد. چندین بار به جبهه اعزام می‌شود و در چندین عملیات شرکت می‌کند. جرأت و جسارتی شایان دارد. او، در جبهه، مجروح می‌شود.

ب) رسول. نوجوانی شانزده‌ساله، پرانرژی، پرحرف، و دوست‌داشتنی. معصومیت خاصی در چهره‌اش هست. چون دو تن از برادرانش شهید شده‌اند، به او اجازه حضور در عملیات داده نمی‌شود. با اصرار زیاد، به‌عنوان کمک‌تیربارچی در عملیات شرکت می‌کند و، بدون آسیب، به پشت جبهه برمی‌گردد.

پ) میرزا. جوانی بیست‌ساله که لکنت زبان دارد. ظرافت خاصی در گفتارش پیداست. با شوخ‌طبعی و ظرافت کلامی، فضای عاطفی تازه‌ای می‌آفریند. محبوب همگان و دلسوز و مهربان است و در کار جمعی مشارکت خوبی دارد. او در عملیات به شهادت می‌رسد.

ت) علی. نوجوانی شوخ و طنزپرداز و موفق در برقراری ارتباط با دیگران؛ رزمنده‌ای شجاع و برخوردار از توان مدیریتی مناسب؛ و آرپی‌جی‌زن «دسته یک» که در عملیات به شهادت می‌رسد.

ث) اصغر. نوجوان و پیک گروهان؛ قد بلند و پاهایی دراز دارد. معصومیت ویژه‌ای در چهره و رفتارش پیداست. او در عملیات به شهادت می‌رسد.

ج) حیدر. معاون فرمانده گروهان و پرتلاش و سخت‌گیر. هیکلی درشت و چهره‌ای جدی دارد.

چ) مهدی. فرمانده دسته؛ شخصیتی آرام و مهربان و تودار که به شهادت می‌رسد.

ح) عبدالله. مسن‌تر از دیگران و صاحب فرزند. کم‌حرف است و پختگی خاصی دارد.

خ) راننده کامیون. دارای لحنی داش‌مشدی‌طور و متفاوت و بسیار دل‌بسته ماشینش. در جایی،

از او این‌گونه یاد می‌شود:

محکم گونی سنگر را گرفته؛ پشت دستش خال‌کوبی شده: «دوستت دارم مادر». (همان، ص ۱۶۱)

د) قاسم. پیک گردان و سه سال از ناصر بزرگ‌تر است و نظمی ویژه در رفتارش دیده می‌شود.

جدول صفحه بعد «سه گروه رمزگان معنا ساز» را در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه نشان می‌دهد.

جدول سه گروه رمزگان معنا ساز در رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه

الف) رمزگان فرهنگی-اجتماعی	ب) رمزگان مرتبط با جنگ	ج) رمزگان فنی
- خانواده - اطوار و شگردها - خرده فرهنگ های دفاع مقدس - اسامی و نامها	- رمزگان عام و جهانی - رمزگان خاص و ویژه - لایه های سخت و خشن جنگ - لایه های افتخار آمیز جنگ	- نمادها - جملات کوتاه - واژگان خاص - تیپها

هویت سازی و معناپردازی و سبک آفرینی: مهم ترین کارکردهای رمزگانی

حماسه آفرینی ها و مبارزات، در مسیر کسب استقلال سیاسی و فرهنگی و تحکیم مبانی عمومی کشورها، امری است ناگزیر (صفا، ص ۱۳). به عبارتی، یک ملت، در گذر از یک برهه زیست فکری-اجتماعی خاص به برهه ای دیگر، بناچار گذرگاه هایی پرخطر می گذراند. در این میان، فرهنگ یا همان عناصر اجتماعی-اعتقادی، بیشتر، دستخوش تحولات قرار می گیرد؛ یعنی همان عناصری که زیربنا و تعیین کننده مسیر زندگی ملت های امروز است و از آن به «هویت» یاد می کنند. هویت را «حقیقت شیء یا شخص - که مشتمل بر صفات جوهری او باشد- شخصیت، هستی، و وجود» (عمید، ذیل هویت) معنا کرده اند. هویت فرایندی است که هر فرد یا گروه به «چیستی»، «کیستی»، یا «روش زیستن» خود پاسخی آگاهانه می دهد. هویت تلاش انسان برای تمایز با دیگران در پهنه زندگی است. هویت ملی از وجوه بارز شناخت گروه های انسانی است. انسان، برای استمرار حیات، به هم نوعانش می گراید و، برای ماندگاری، به داشته هایی مشترک با آنان می اندیشد. این سرمایه های مشترک ارزش گذار، به ویژه در حوزه فرهنگ، هویت ملی نام دارد. «هویت ملی اصلی ترین سنتز و حلقه ارتباطی میان هویت های خاص محلی و هویت عام فراملی است». (حاجیان، ص ۱۳۹)

با استناد به رمزگان های یاد شده و چگونگی مفصل بندی آن ها، دغدغه متن رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه در انعکاس شیوه رفتار رزمندگان (تکیه کلام، امید، ذهنیت، نگرانی، شوخی ها، رفتار با دشمن)، برخورد آنان با یکدیگر، چگونگی زندگی اجتماعی افراد جامعه جنگ (غذا، پوشاک، و اسامی)، و مجموعاً درباره پدیده هویت هویداست. با توجه به اینکه متن رمان سالیانی کوتاه بعد از پایان جنگ نگارش یافته، و نظر به اهمیت لایه های متعدد متن دفاع مقدس در شکل دهی هویت ملی و لزوم حفظ آن، می تواند انگیزه ترسیم هویت برای افرادی باشد که در حال و آینده متن را از نظر می گذرانند. از آنجایی که مفصل بندی مفهوم هویت در خلال رمان های جنگ امری ضروری به نظر می رسد، در رمان دهقان نیز به این مهم به نحوی مطلوب پرداخته شده است.

در سفر به گرای ۲۷۰ درجه، توجه به مبحث هویت و هویت ملی از دو روزنه معنا و معناپردازی می‌گذرد. رمزگان‌های متعدّد، با قرارگرفتن در موقعیت‌های گوناگون و نسبت‌یافتن با اشخاص و مکان‌ها و اشیاء و اندیشه‌ها و اقدامات و جهت‌گیری‌ها و ... معانی متعدّدی به همراه دارند. روش برخورد با دشمن، معاشرت با یکدیگر، فداکاری در راه وطن، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، انعکاس روحیه رزمندگان در موقعیت‌های گوناگون، صحنه‌های پشت جبهه و تصویر رفتار مردم، عملکرد خانواده‌ها و وضعیت زندگی آنان، و نیز بسیاری از مفاهیم گسترده حوزه جنگ با رمزگان‌های یادشده معناسازی می‌شوند.

از جمله عملکردهای بسیار مهم رمزگان‌ها در سفر به گرای ۲۷۰ درجه سبک‌آفرینی در حوزه رمان دفاع مقدّس است. دهقان، با به‌کارگرفتن عناصر متعدّد زبانی و بیانی، می‌کوشد اندیشه‌ها را در قالب سبکی خاص پایه‌ریزی کند. می‌دانیم که

سبک در وسایل بیان جای دارد. این وسایل بیان کدهای پیشینی‌اند وقتی که انگاره قالبی باشند؛ و کدهای پسینی‌اند وقتی که انگاره قالب تازه گرفته باشند. (سمعی گیلانی، ص ۶۳)

نویسنده سفر به گرای ۲۷۰ درجه سعی دارد واقعیت‌های حوادث دفاع مقدّس را، در قالبی باورپذیر و فارغ از هرگونه برجسته‌نمایی یا فضای تخیلی محض، به مخاطب انتقال دهد. بدین منظور، زبان داستان به زبان گفتاری جامعه نزدیک است و شخصیت‌ها رزمندگان عادی و معمولی جبهه‌هایند؛ یعنی نوجوانانی که با روحیه‌ای شاد در جنگ حاضر می‌شوند و اغلب برون‌گرایند و به راحتی با هم شوخی می‌کنند و می‌خندند و می‌گریند. تعداد شخصیت‌ها زیاد است و حوادثی بسیار رقم می‌خورد و تلخی‌ها و شیرینی‌ها و جزئیاتی بسیار به قلم می‌آید. کاربرد رمزگان‌هایی چون تشبیه و توصیف و برخی عناصر نمادین و نیز فضاسازی‌ها و تک‌گویی‌های پراکنده نشان می‌دهد فضای رمان صرفاً واقع‌گرا نیست.

۵. نتیجه

در پژوهش حاضر، رمزگان‌های رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه در سه گروه رمزگانی طبقه‌بندی شد. لایه اول یعنی رمزگان مرتبط با مناسبات اجتماعی-فرهنگی، به مثابه مهم‌ترین لایه دلالت‌گر، مبین هویت ملی-اجتماعی و رویکرد فرهنگی رزمندگان و فضای جبهه و شامل این زیرمجموعه‌هاست: «خانواده»ی رزمندگان، «اطوار و شگردها»ی رزمندگان، «خرده‌فرهنگ‌ها»ی دفاع مقدّس، «اسامی و نام‌ها»ی رزمندگان. رمزگان مرتبط با جنگ دومین لایه رمزگانی رمان است که، با چهار زیرمجموعه یعنی «رمزگان عامّ و جهانی» و «رمزگان خاصّ و ویژه» و «لایه‌های سخت و خشن جنگ» و «لایه‌های افتخارآمیز

جنگ»، جنبه‌های نظامی و انسانی و روحی و اعتقادی جامعه جنگ را برجسته می‌سازد. لایه سوم، با عنوان رمزگان فنی و با کارکرد دوگانه زیبایی‌شناسی و معنایی، این زیرمجموعه‌ها را دربرمی‌گیرد: «نمادها»، «جملات کوتاه»، «واژگان خاص»، و «تیپ‌ها».

نتیجه اینکه، با نگاهی ساخت‌شکنانه و با استناد بر لایه‌های رمزگانی سفر به گرای ۲۷۰ درجه، می‌توان گفت نویسنده رمان اثری چندساحتی در پس حوادث جنگ پدید آورده؛ و این برخلاف مواضع نقدهایی است که، با جهت‌گیری مشابه، متن را رمانی دارای مؤلفه‌های ناتورالیستی با مرکزیت خشونت و ناامیدی و فارغ از دلالت‌های مفهومی حوزه دفاع مقدس برشمرده‌اند. ذکر این توضیح ضرورت دارد که هریک از سه گروه رمزگان یادشده، با کارکردهای چندجانبه و خلق زبان جنگ و شکل‌دهی جریان «لایه‌های معنا ساز» رمان، بر غنای معنایی موضوعات مرتبط با دفاع مقدس افزوده‌اند؛ چنان‌که هویت اجتماعی-فرهنگی رزمندگان در خلال رمزگان‌ها دریافت‌پذیر است و «معناسازی» در رمان از طریق «هم‌نشینی» رمزگان با دیگر اجزاء و نیز کنشگری آن‌ها و ایجاد «ساخت» منسجم و برجسته‌شدن برخی لایه‌ها (مثلاً لایه اطوار و شگردها و لایه فنی) نمایان است و در نهایت سبکی ویژه برای نمایش وجوه اندیشگانی متن پدید می‌آید.

منابع

- آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران ۱۳۵۷.
- آهی، محمد و محمد طاهری، «نقد و تحلیل نظریه ساخت‌شکنی دریدا در فهم متون»، نقد و نظر، دوره بیست‌وچهارم، ش ۱ (پیاپی ۹۳)، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، چاپ نهم، تهران ۱۳۸۶.
- اخوت، احمد، دستور زبان داستان، فردا، چاپ دوم، اصفهان ۱۳۷۱.
- اسدی مافی، زهرا و دیگران، «تحلیل عنصر درون‌مایه در پنج اثر دفاع مقدس با تکیه بر مؤلفه‌های پایداری»، فنون ادبی، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۳۰)، بهار ۱۳۹۹، ص ۶۵-۸۴.
- امامی، نصرالله، ساخت‌شکنی در فرایند تحلیل ادبی، رسش، اهواز ۱۳۸۲.
- انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
- ایگلتون، تری، پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ پنجم، تهران ۱۳۸۸.
- پارسی‌نژاد، کامران، جنگی داشتیم داستانی داشتیم (تحلیل و بررسی چهارده عنوان کتاب داستان نشر صریر)، صریر، تهران ۱۳۸۴.
- تسلیمی، علی، نقد ادبی (نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی)، کتاب آمه، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۰.
- چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ ششم، تهران ۱۳۹۷.
- حاجیان، ابراهیم، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، مطالعات ملی، سال دوم، ش ۵، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۹۳-۲۲۸.

- حقیقت، سیدصادق، روش‌شناسی علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۵.
- حنیف، محمد، کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس؛ صریر، تهران ۱۳۸۸.
- خادمی کولایی، مهدی و نسیم حسن‌پور ایلالی، «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی جنگ» (موردپژوهی: احمد دهقان)، نشریه ادبیات پایداری، سال دهم، ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۴۸.
- دهقان (۱)، احمد، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، صریر، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۷.
- _____ (۲)، «من صاحب‌خانه ادبیات جنگ هستم، آن‌ها مستأجرند»، خیرگزاری تسنیم، سوم آذر ۱۳۹۴
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/03/924558/>
- دهقانیان، جواد، «بازخوانی داستان "شیر و گاو" کلیله و دمنه براساس نظریه ساخت‌شکنی»، پژوهش‌های ادبی، سال هشتم، ش ۳۱ و ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۷-۱۱۶.
- رضایی دشت‌ارزنده، محمود، «نقد و بررسی داستان فرود سیاوش براساس رویکرد ساخت‌شکنی»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال پنجم، ش ۲ (پیاپی ۱۶)، تابستان ۱۳۹۲، ص ۳۹-۶۰.
- ریکور، پل، زندگی در دنیای متن (شش گفت‌وگو، یک بحث)، ترجمه بابک احمدی، نشر مرکز، چاپ هشتم (ویراست سوم)، تهران ۱۳۹۴.
- ساسانی (۱)، فرهاد، معناکاوی (به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی)، علم، تهران ۱۳۸۹.
- _____ (۲)، «نشانه‌شناسی جنگ» (بررسی سازوکار معناپردازی در متن‌های کلامی و غیر کلامی جنگ)، در نام‌آورد (ج ۲): بیست مقاله و گفتاورد درباره مطالعات نشانه‌شناختی جنگ/ دفاع مقدس، به‌کوشش علیرضا کمری، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵-۲۱۲.
- سجودی (۱)، فرزانه، «دلالت: از سوسور تا دریدا»، در مقالات هم‌اندیشی‌های بارت و دریدا، به‌کوشش امیرعلی نجومیان، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۶، ص ۱۹۵-۲۱۲.
- _____ (۲)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (مجموعه مقالات)، علم، چاپ سوم، تهران ۱۳۹۸.
- سلدن، رامان، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران ۱۳۷۲.
- سمیعی گیلانی، احمد، «مبانی سبک‌شناسی شعر»، ادب‌پژوهی، دوره اول، ش ۲ (پیاپی ۲)، تابستان ۱۳۸۶، ص ۴۹-۷۶.
- سنگری، محمدرضا، ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران ۱۳۸۹.
- شایگان‌فر، حمیدرضا، نقد ادبی (معرفی مکاتب نقد؛ همراه با نقد و تحلیل متونی از ادب فارسی)، دستان، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۶.
- شعیری، حمیدرضا، تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان، سمت، چاپ ششم، تهران ۱۳۹۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، رستاخیز کلمات (درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌گرایان روس)، سخن، تهران ۱۳۹۱.
- شمشیرگرها، محبوبه، «ویژگی‌های گونه زبانی خرده‌فرهنگ جبهه»، فرهنگ و ادبیات عامه، سال سوم، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۵-۱۸۲.
- شمیسا، سیروس، نقد ادبی، میترا، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۶.

- صادقی، لیلا، نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر (مجموعه مقالات: نقد و بررسی آثار ابراهیم گلستان و جلال آل احمد)، سخن، تهران ۱۳۹۲.
- صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳.
- صفوی، کورش، درآمدی بر معنی‌شناسی، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۳.
- عظیمی‌فرد، فاطمه، فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی، علمی، تهران ۱۳۹۲.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی)، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۵.
- قیطوری، عامر، «ساخت‌شکنی به‌عنوان گزاره‌ای مثبت»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۷۵ و ۷۶، دی و بهمن ۱۳۸۲، ص ۹۲-۹۹.
- کوثری، مسعود، «بازنمایی جنگ در روایت فتح»، در نام‌آورد (ج ۲: بیست مقاله و گفت‌وورد درباره نشانه‌شناختی جنگ/دفاع مقدس)، به‌کوشش علیرضا کمری، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳-۳۴۹.
- گیرو، پی‌یر، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، آگه، تهران ۱۳۸۰.
- لچت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر (از ساختارگرایی تا پسانسان‌گرایی)، ترجمه محسن حکیمی، خجسته، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۳.
- مکاریک، ایرنا ریما، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، آگه، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۵.
- نجفی، ابوالحسن، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، نیلوفر، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱.
- نجومیان (۱)، امیرعلی، «دریدا و پارادوکس‌های زبانی در ادبیات»، در مقالات هم‌اندیشی‌های بارت و دریدا، به‌کوشش امیرعلی نجومیان، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۶، ص ۲۲۳-۲۳۱.
- _____ (۲)، نشانه در آستانه (جستارهایی در نشانه‌شناسی)، فرهنگ نشر نو؛ آسیم، تهران ۱۳۹۴.
- نوریس، کریستوفر، شالوده‌شکنی، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۵.

